

واکاوی اثرات رویکرد مدیریت محلی بر بهبود سرمایه اجتماعی در فراگرد تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی (مورد مطالعه: بخش اسفندقه، شهرستان جیرفت)

ناصر شفیعی ثابت* - دانشیار گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، ایران
فائزه ابراهیمی پور - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۰

چکیده

تاکنون دو «رویکرد عقلایی‌گرایی فن‌محور و ارتباطی» در چارچوب برنامه‌ریزی توسعه و تحول مطرح بوده است. اما، در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه و تحول سکونتگاه‌های روستایی در ایران چیرگی رویکرد عقلایی‌گرایی با اصالت متخصص چالش‌های پُرشماری در این فراگرد ایجاد کرده است. بنابراین، در پژوهش حاضر برای تبیین این چالش‌ها به شیوه کمی و میدانی و توصیفی-تحلیلی این موضوع در سی روستای نمونه از مجموع ۴۲ روستای ناحیه مورد مطالعه با بهره‌گیری از روش مدل معادلات ساختاری و نرم‌افزار آموس گرافیک واریسی شده است. یافته‌های پژوهش ناکارآمد بودن رویکرد حاکم بر مدیریت محلی در راستای بهبود سرمایه اجتماعی و تحولات فضای سکونتگاه‌های روستایی را آشکار ساخت. همچنین، یافته‌های مدل ارتباطی استاندارد آشکار ساخت که بر ارزش ضرایب مسیر متغیر سرمایه اجتماعی و تحولات فضایی و ارتباطشان مطلوب است، اما بر ارزش سرمایه اجتماعی متأثر از رویکرد حاکم بر مدیریت در ارتباط با تحولات فضایی نامطلوب است. زیرا نامولد بودن آموزش به وسیله مدیریت محلی موجب شده تا آگاهی اجتماعی گیرندگان و بروزدهندگان این آموزش‌ها به گونه‌ای نامولد و منفعلانه چیرگی داشته باشد. در مجموع، یافته‌های پژوهش زمینه لازم برای درک و فهم مشترکی از رویکرد ارتباطی فراهم می‌کند. از جنبه‌های ادراکی و معرفتی هم بر مبنای پی‌آیندها، نگارندگان در این پژوهش در پی آن‌اند تا انسجام لازم در ترسیم خطوط اساسی انگاره نوین توسعه و تحول شکل بگیرد و به تعیین چارچوب الگوی کار رویکرد نوین یاری رسانند؛ بدین‌سان پشتوانه‌های معرفتی و غنای لازم برای کمک به تحول فضای سکونتگاه‌های روستایی به گونه‌ای مناسب از راه مشارکت روستاییان در این فراگرد فراهم خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: انسجام و اعتماد اجتماعی، بخش اسفندقه، تحول فضایی، رویکردها، مدیریت محلی.

مقدمه

تحولات در ابعاد فضای سکونتگاهی در هر کشوری، همچون تحول در ابعاد محیطی-اکولوژیک، اجتماعی-اقتصادی، و کالبدی-زیربنایی، همواره متأثر از نظام اندیشه‌ای، نظام سیاست‌گذاری، و رویکرد حاکم بر مدیریت برنامه‌ریزی آن کشور بوده است (مک دوناق و همکاران، ۲۰۰۹). بر اساس واکاوی ادبیات و پیشینه موضوع، همواره دو رویکرد عقلایی‌گرایی فن‌محور^۱ و ارتباطی^۲ در چارچوب برنامه‌ریزی‌های توسعه و تحول در نظام مدیریتی کشورها مطرح بوده است. البته، در نظام مدیریتی کشورهای در حال توسعه، همچون ایران، بهره‌گیری از رویکرد عقلایی‌گرایی همواره چیرگی داشته است (هیلی، ۱۹۹۶). به سخن دیگر، «رویکرد ارتباطی»، که از اواخر قرن بیستم در ادبیات مدیریتی جهان در راستای توجه به رهیافت‌های اجتماع‌محور و همچنین بهبود ابعاد سرمایه اجتماعی همچون آگاهی اجتماعی، تشکل اجتماعی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، و مشارکت اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است، در کشورهای پیشرو اثرات مثبتی در فراگرد تحولات فضایی سکونتگاه‌هایشان داشته است (هامیل برانیر، ۲۰۰۰). اما هنوز در کشورهای در حال توسعه با نظام سیاسی متمرکز و حکومت‌محور^۳ توجه چندانی به رهیافت ارتباطی نشده است. بر این مبنای، نظام اندیشه‌ای و رهیافت مبتنی بر عقلایی‌گرایی- که بیشتر بر نگرش رشد محور اقتصادی استوار بوده و به جنبه‌های اجتماعی توسعه و تحول همچون سرمایه اجتماعی در نگرش مدیریتی در فراگرد تحولات فضایی که شامل ابعاد محیطی-اکولوژیک، اجتماعی-اقتصادی، کالبدی-زیربنایی توجه اندکی داشته است (گلین و تسکوت، ۲۰۱۰) - چالش‌های پرشماری در فراگرد تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی در این گونه کشورها ایجاد کرده است.

افزون بر این، در سال‌های اخیر، نگرش مدیریتی از جستارهای کالبدی و اقتصادی صرف به سوی جستارهای اجتماعی-اقتصادی و رهیافت ارتباطی- مشارکتی در حال گذار بوده است. باوجود این، هنوز به دلیل چیرگی رویکرد حکومت‌محور در فراگرد مدیریت و برنامه‌ریزی همواره توجه به بهبود سرمایه اجتماعی و ابعاد محیطی-اکولوژیک، اجتماعی-اقتصادی، و کالبدی-زیربنایی سکونتگاه‌های روستایی کم‌رنگ بوده است (بوردیو، ۲۰۱۸). بدین‌سان، فعالیت‌های گوناگون اجتماعی-اقتصادی روستاها در کشورهای در حال توسعه (و همچنین ایران) در چارچوب نظام متمرکز ساختاری- کارکردی مدیریت آن‌ها در فراگرد تحولات فضایی هم با چالش‌های پرشمار روبه‌رو شده است (نوریان و مظفری‌پور، ۱۳۹۲). بدین ترتیب، مشارکت فعال روستاییان در فعالیت‌های گوناگون اجتماعی-اقتصادی بسیار کم‌رنگ بوده یا در بیشتر روستاها دیده نمی‌شود (کافی و جیز، ۲۰۰۵). پی‌آیند این نوع نگرش مدیریتی - که به نقش و جایگاه سرمایه اجتماعی روستاییان در اجرای برنامه‌ها و طرح‌ها کم‌توجهی می‌نماید- همانا بازدارندگی زمینه‌های مثبت تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی بوده است و همچنین پیامدهای اجرای طرح‌های اجتماعی-اقتصادی را هم در روستاها کم‌اثر کرده است (بالکاندی و کیلدف، ۲۰۰۶).

در این راستا در پی بروز چنین چالشی در فراگرد بهبود سرمایه اجتماعی روستاییان و تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی در کشورهای در حال توسعه و در ایران، بهبود شاخص‌های سرمایه اجتماعی متأثر از نقش مدیریت محلی و در راستای بهبود تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی پرشماری است که می‌توان پاسخ آن را در درون مناطق و نواحی هر کشوری واکاوی کرد.

^۱ Instrumental Rationalism Approach

^۲ Communicative Approach

^۳ State-led

بر این شالوده در ناحیه مورد مطالعه محرک‌های متنوع سرمایه اجتماعی روستاییان به دلیل اثرات رویکرد مدیریت محلی از بالا به پایین و عقلایی‌گرایی نادیده گرفته شده است و شاخص‌های سرمایه اجتماعی دچار چالش جدی است. از این رو، ضرورت دارد شاخص‌های سرمایه اجتماعی در فراگرد تحولات فضایی واکاوی شود.

بر این مبنای، نگارندگان در این پژوهش با نگرشی ژرف تلاش دارند به چالش‌های بهبود سرمایه اجتماعی روستاییان متأثر از رویکرد حاکم بر نگرش مدیریت محلی در راستای تحولات فضایی در سکونتگاه‌های روستایی در ناحیه مورد مطالعه بپردازند. بنابراین، بر مبنای واکاوی ادبیات و پیشینه موضوع در پی پاسخ‌گویی به پرسش بنیادین زیر هستند: رویکرد حاکم بر مدیریت محلی تا چه اندازه در بهبود ابعاد سرمایه اجتماعی روستاییان و در پی آن تحولات ابعاد محیطی - اکولوژیک، اجتماعی - اقتصادی، و کالبدی - زیربنایی فضای سکونتگاهی در ناحیه مورد مطالعه اثرگذار است؟

مبانی نظری

رویکرد عقلایی‌گرایی در اندیشه غربی از یونان باستان تاکنون همواره نقش بنیادین داشته است؛ گسترش و به‌کارگیری رویکرد عقلایی‌گرایی در نگرش مدیریتی به شکل برنامه‌ریزی نسخه‌برداری شده از بیرون و از بالا به پایین بوده است (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰). که فرایند آن شامل پیمایش، تحلیل، و برنامه است که فرایند برنامه‌ریزی عقلایی به‌گونه‌ای پیش‌تاز از راه برنامه‌ریزی جامع امکان‌پذیر است (گلین و تسکوت، ۲۰۱۰)؛ اما، از دهه ۱۹۶۰ میلادی، فرایند برنامه‌ریزی عقلایی‌گرا به‌گونه‌ای پیش‌تاز با رویکرد از بالا به پایین و بخشی‌نگر در مناطق گوناگون جهان به دلیل نادیده‌انگاشتن نیازها، درک و احساس اخلاقی مردم محلی در بهبود سطح زندگی در میان فقیران روستایی پیشرفت چندانی نداشته است (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰). بر این مبنای، در سال‌های اخیر، در پی دگرگونی در رویکردهای مدیریت، رویکرد عقلایی‌گرایی قیاسی (کل به جز) جای خود را به شیوه‌های استقرایی با مبنای منطقه‌ای، محلی، و از جزء به کل، مشارکتی و ارتباطی به‌مثابه پیشروترین شیوه نگرش مدیریتی در علوم انسانی داده است (هالا، ۲۰۰۵). در ادامه برای تبیین دقیق ادبیات موضوع پژوهش، هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی در ارتباط با مقوله تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی متأثر از اثرات رویکرد حاکم به شکل فشرده واکاوی می‌شود.

اثرات رویکرد مدیریت محلی، آگاهی اجتماعی در فراگرد تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی

یکی از ابعاد بنیادین سرمایه اجتماعی بهره‌گیری از ظرفیت‌های آشکار و پنهان آگاهی اجتماعی است که بخش ذاتی و جدایی‌ناپذیر آن است (نارایان و همکاران، ۲۰۰۱). که زمینه را برای کنشگری روستاییان فراهم می‌سازد. همچنین، بهبود آگاهی اجتماعی روستاییان متأثر از رویکرد ارتباطی مدیریت محلی زمینه را برای بهبود تحول فضای روستایی فراهم می‌سازد (کینگ و همکاران، ۲۰۱۹)؛ در این راستا، به باور فوکویاما، برای مداخله و مشارکت افراد هر جامعه‌ای در زندگی اجتماعی - اقتصادی‌شان، لازم است (ماسلی و ورچور، ۲۰۰۵). آگاهی اجتماعی و در پی‌آیند آن شبکه اعتماد موجود در آن جامعه و ویژگی‌های مربوط به آن متأثر از رویکرد مدیریت محلی بهبود پیدا کند (نارایان و پریتچت، ۱۹۹۹). زیرا اعتماد پایه هرگونه توسعه و تحول در سکونتگاه‌های روستایی است (عناستانی و همکاران، ۱۳۹۳). بر این مبنای، آگاهی اجتماعی متأثر از اثرات رویکرد مدیریت محلی زمینه را برای تحول و بهبود ابعاد محیطی اکولوژیک، اجتماعی - اقتصادی، و کالبدی - زیربنایی فراهم می‌آورد.

اثرات رویکرد مدیریت محلی، انسجام اجتماعی^۱ در فراگرد تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی انسجام اجتماعی ناظر بر میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران، گروه‌ها، و خرده‌فرهنگ‌های جداسازی شده است (بیپ و همکاران، ۲۰۰۷).

انسجام اجتماعی بر سازگاری جمعی بین اعضای هر جامعه استوار است و پی‌آیند آن پذیرش و درونی‌کردن نظام ارزشی جامعه و وجود تعلق جمعی و تراکمی از وجود تعامل در بین افراد آن جامعه است (لوی، ۲۰۱۵). به سخن دیگر، انسجام اجتماعی بیشتر مفهومی است که بر پایه آن در سطح گروه یا جامعه اعضا به یکدیگر وابسته‌اند و به‌گونه‌ای دوسویه نیازمند یکدیگرند (حیاتی و غلامی، ۱۳۹۲). افزون‌براین، انسجام اجتماعی گونه‌ای احساس مسئولیت دوسویه بین چند نفر یا چند گروه است که از اراده و آگاهی برخوردارند (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

این مفهوم همانند مفهوم آگاهی اجتماعی متأثر از اثرات رویکرد مدیریت محلی زمینه را برای بهبود ابعاد محیطی-اکولوژیک، اجتماعی-اقتصادی، کالبدی-زیربنایی فراهم می‌سازد (ادریسی و همکاران، ۱۳۹۸).

اثرات رویکرد مدیریت محلی، اعتماد اجتماعی^۲ در فراگرد تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی
اعتماد از جمله مفاهیمی است که به بازگویی در جستارهای رهبری، تغییر، روابط انسانی، و مشارکت فعال افراد موردنظر می‌پردازد. اعتماد برای ایجاد روابط انسانی مؤثر، برقراری و بهبود ارتباط مردمی و تشکیل گروه و کارگروهی، ایجاد همکاری و ایجاد تغییر موفقیت‌آمیز ضروری است (جوادزاده و علوی، ۲۰۱۶).

بدین ترتیب، بهبود اعتماد اجتماعی بین روستاییان متأثر از اثرات رویکرد مدیریت محلی نیز زمینه را برای بهبود تحول فضایی سکونتگاه‌های روستایی فراهم می‌سازد.

اثرات رویکرد مدیریت محلی، شبکه، و روابط اجتماعی^۳ در فراگرد تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی
شبکه و روابط در هر جامعه‌ای وجود دارد. البته این ارتباطات، مبادله‌ها، و شبکه‌ها در دو سطح افقی و عمودی وجود دارند. هر جامعه‌ای از طریق شبکه‌های رسمی و غیررسمی ارتباطات بین افراد شناخته می‌شود (جوادزاده و علوی، ۲۰۱۶).
پاره‌ای از این‌ها شبکه هم‌سطح افقی‌اند و روستاییان برخوردار از وضعیت و قدرت برابر را دور هم جمع می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که در بیشتر موارد شبکه‌ها آمیخته‌ای از روابط عمودی و افقی را شامل می‌شوند (پارک و همکاران، ۲۰۱۲).
هرچه شبکه اجتماعی در جامعه‌ای درهم‌فشرده‌تر باشد احتمال بیشتری وجود دارد که ساکنان آن جامعه بتوانند برای منافع متقابل همکاری کنند (ناریان و پریتچت، ۱۹۹۹). به‌گونه‌ای که وجود شبکه و روابط قوی نیز بین روستاییان متأثر از اثرات رویکرد مدیریت محلی در بهبود ابعاد محیطی اثرگذار است.

^۱ Social cohesion

^۲ Social Trust

^۳ Network & Social Relationships

اثرات رویکرد مدیریت محلی، تشکل و گروه‌های اجتماعی در فراگرد تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی

منظور از تشکل‌سازی گردآوردن افراد محلی و غیرمحلی، حقیقی یا حقوقی، و غیردولتی است که دارای هدف مشترک‌اند (تودارو و همکاران، ۲۰۲۱). و دستیابی به این هدف از طریق فعالیت گروهی و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی جامعه محلی‌شان امکان‌پذیر می‌شود (کوتسو و همکاران، ۲۰۱۴).

بدین ترتیب، بهبود تشکل اجتماعی بین روستاییان متأثر از اثرات رویکرد مدیریت محلی نیز زمینه را برای بهبود تحول فضایی سکونتگاه‌های روستایی فراهم می‌سازد.

اثرات رویکرد مدیریت محلی، سرمایه اجتماعی در فراگرد تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی

بهبود شاخص‌ها در فراگرد تحول فضایی سکونتگاه‌های روستایی از راه توجه به مقوله سرمایه اجتماعی متأثر از رویکرد ارتباطی مدیریت محلی امکان‌پذیر است (کاسیر و همکاران، ۲۰۱۰). به سخن دیگر، سرمایه اجتماعی، به‌مثابه شبکه، روابط و هنجارهایی است که به روستاییان کمک می‌کند تا با هماهنگی و برقراری رابطه با یکدیگر با چالش‌های محیطی - اکولوژیک و اجتماعی - اقتصادی سکونتگاهشان آسان‌تر روبه‌رو شوند (ناردون و همکاران، ۲۰۱۰). بنابراین، بهبود سرمایه اجتماعی متأثر از اثرات رویکرد مدیریت محلی یکی از ارکان اساسی در بهبود تحولات فضایی انگاشته می‌شود؛ به‌گونه‌ای که بهبود تحول ابعاد محیطی و توسعه سکونتگاه‌ها از راه بهبود ابعاد سرمایه اجتماعی و در پی آن مشارکت ساکنان امکان‌پذیر است (فروغزاده و همکاران، ۱۳۹۸).

بر این اساس، در چارچوب مقوله تحولات فضایی و رویکرد ارتباطی در فرایند مدیریت، سرمایه اجتماعی در چارچوب ایجاد فرصت‌های نوین برای مداخله و مشارکت گروه‌های گوناگون روستایی امکان‌پذیر است (جیامفی، ۱۹۹۶). بنابراین، سرمایه اجتماعی یکی از پایه‌های بنیادین برای بهبود ابعاد فضا و از مفاهیم برجسته جامعه‌شناختی در رویکرد مشارکتی انگاشته می‌شود. همچنین، این مفهوم به‌مثابه کنشگر بنیادی در رویکرد اجتماع‌محور روستایی به‌کار می‌رود. نکته بنیادین در رویکرد اجتماع‌محور پافشاری بر سرمایه اجتماعی در بین روستاییان به‌مثابه بازوی اصلی است و در عین حال مفهومی گم‌شده در راستای توسعه و تحولات فضایی در روستاهاست (فالک و کیلیپاتریک، ۲۰۰۰).

بر این اساس، توان (۱۹۷۹)، پرد (۱۹۸۴)، پیر بوردیو (۱۹۸۵)، میشل فوکو (۱۹۸۶)، هاتری لفور (۱۹۹۱)، دورین مسی (۲۰۰۱)، و کرسول (۲۰۰۴) بر آن‌اند که تحولات فضایی از طریق سرمایه اجتماعی به‌مثابه یک عامل دگرگون‌ساز اجتماعی بهبود می‌یابد و توان برخورد روستاییان را در مکان افزایش می‌دهد (جانسنس، ۲۰۱۰).

در مجموع، در دیدگاه نوین توسعه، بهبود شاخص‌ها در فراگرد توسعه و تحول فضایی سکونتگاه‌ها از راه توجه به مقوله سرمایه اجتماعی امکان‌پذیر است (لبون و چیس، ۲۰۱۱). به‌گونه‌ای که سرمایه اجتماعی شبکه و روابط تلقی شده است (ریجن، بولت و ادیکانلی، ۲۰۱۲). که به روستاییان کمک می‌کند با هماهنگی و برقراری رابطه در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های تحول فضای روستایی مشارکت کنند (ماسلی و ورچور، ۲۰۰۵).

در چارچوب مقوله سرمایه اجتماعی و رویکرد ارتباطی در نگرش مدیریتی، دانشمندان و نظریه‌پردازان گوناگونی همچون پیربوردیو^۱، جمیز کلن^۲، گلن لوری^۳، بن پرات^۴، ویلیامسون^۵، بیکر^۶، رابرت پاتنام^۷ و فرانسیس فوکویاما^۸ شرح

^۱Pierre Bourdieu, 1930

^۲James Coleman, 1966

^۳Glenn Lori, 1970

گوناگونی از سرمایه اجتماعی ارائه داده‌اند (شجی و همکاران، ۲۰۱۲). که بیشتر آن‌ها این واژه و مفهوم را شامل سرمایه‌هایی همانند آگاهی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، شبکه و روابط اجتماعی، انسجام اجتماعی، گروه‌های اجتماعی، و مشارکت اجتماعی دانسته‌اند که مردم برای حل مشکلات عمومی خود نمایان می‌کنند (ادهیکاری و گلدای، ۲۰۱۰).

بر این مبنای، در نظریه ارتباطی- مشارکتی^۶ اندیشمندانی همچون سگر^۷، هینس^۸، فورستر^۹، هیلی^{۱۰} و بوهر^{۱۱} باور داشتند که نگرش مدیریتی افزون بر ابزار فنی می‌تواند از ابزار ارتباطی نیز بهره گیرد و به شکل‌گیری انتظارات و خواسته‌ها بینجامد. آن‌ها تأکید داشتند این اثرات ارتباطی بیشتر ناخواسته‌اند، اما درعین حال عمل‌گرا بوده و می‌توانند تفاوتی را نسبت به قبل ایجاد کنند (تریجر و همکاران، ۲۰۱۶). بنابراین، اگر مدیران و برنامه‌ریزان اثرات ارتباطی را نادیده بگیرند، می‌تواند پی‌آیند واژگونه در فراگرد مدیریتی داشته باشد. سرانجام اینکه این اندیشمندان بر جنبه‌های عملی برنامه‌ریزی ارتباطی باور داشتند که ریشه در نظریه انتقادی به‌ویژه نوشته‌های یورگن هابرماس^{۱۲} آذارد (فورستر، ۱۹۸۰).

در این راستا، نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی بر آن است تا با فاصله‌گرفتن از رویکردهای عقل‌گرایانه و فردباورانه دهه‌های پیشین روزنه‌ای باشد به سوی رویکردهای اجتماع‌محور- که از فرایندهای پایین به بالا با تأکید بر مقیاس محلی در برنامه‌ریزی بهره می‌گیرد- حرکت نماید (کاسیر و همکاران، ۲۰۱۰). رویکرد برنامه‌ریزی عقلایی‌گرایی جامع طی دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ از سوی اندیشمندان مکتب انتقادی فرانکفورت به‌ویژه یورگن هابرماس مورد انتقاد جدی قرار گرفت. یورگن هابرماس با ارائه نظریه ارتباطی تصریح کرد که اساس برنامه‌ریزی مؤثر و موفق بر شیوه‌های ارتباطی مبتنی است (هیلی، ۱۹۹۷). و نکات قابل‌توجه در برنامه‌ریزی ارتباطی که همواره مبنای یک برنامه‌ریزی مشارکتی مؤثر و کارآمد است، عبارت است از: الف) برنامه‌ریزی یک فرایند ارتباطی است؛ این فرایند حاصل مذاکره و گفت‌وگوست و به‌درستی ثمره نشست‌هاست، ولی باید گفت بخشی از آن در نشست‌ها تهیه و تدوین می‌شود (گلین و تسکوت، ۲۰۱۰)؛ ب) متن برنامه یک محصول ارتباطی است؛ در این قسمت برنامه برای متخصصان تهیه نمی‌شود بلکه برای کسانی که از آن متأثر می‌شوند یا باید آن را اجرا کنند تهیه می‌شود؛ ج) برنامه‌ریزان نیاز به دانش ارتباطی دارند؛ نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی نشان می‌دهد بسیاری از تصمیمات در فضای ارتباطات شکل گرفته و نقش استدلال‌ها و تحلیل‌های علمی از جایگاه بالایی برخوردار است (رابیسون و همکاران، ۲۰۰۲). درستی، دقت آمارها، و اطلاعات اهمیت زیادی دارد؛ یکی از اصول حاکم بر ارتباط تهیه اطلاعات دقیق و صحیح است؛ در غیر این صورت شرکت‌کنندگان به‌سرعت نسبت به ارائه‌دهندگان اطلاعات بی‌اعتماد می‌شوند و عمل ارتباطی مخدوش می‌شود. ارزش‌ها و احساسات جزئی از برنامه‌ریزی است؛ در نظریه

^۱ Bon Boret, 1980

^۲ Williamson, 1981

^۳ Baker, 1983

^۴ Robert Putnam, 1985

^۵ Francis Fukuame, 1990

^۶ Collaborative-Communication Theory

^۷ Seger, 1994

^۸ Forster, 1995

^۹ Ines, 1995

^{۱۰} Haley, 1997

^{۱۱} Boehr, 1999

^{۱۲} Jürgen Habermas

برنامه‌ریزی ارتباطی رابطه‌ای قوی بین استدلال دانشگاهی حرفه‌ای و استدلال مردمی فرض می‌شود، در نظر گرفتن این ارتباط اجازه می‌دهد که ارزش‌ها و اخلاق در متن و محتوای برنامه از جایگاه مناسبی برخوردار شود (زاسادا، ۲۰۱۷). فورستر با توجه به این موضوع که اقدامات برنامه‌ریزی فقط فنی - ابزاری نیستند، بلکه ارتباطی نیز هستند که به شکل‌گیری انتظاراتی می‌انجامد، تأکید می‌کند که این اثرات ارتباطی اغلب ناخواسته‌اند؛ اما در عین حال عمل‌گرا هستند و می‌توانند تفاوتی نسبت به قبل ایجاد کنند و اگر برنامه‌ریزان اثرات ارتباطی را نادیده بگیرند، می‌تواند نتیجه معکوس بدهد. در نهایت، تمرکز بر جنبه‌های عملی برنامه‌ریزی ارتباطی است که ریشه در نظریه انتقادی به خصوص نوشته‌های یورگن هابرماس دارد (فورستر، ۱۹۸۰).

بنابراین، فن‌گرایی بیش از حد یکی از معضلات نظری و عملی برنامه‌ریزی است و در ابعاد تحول اثر منفی می‌گذارد. نگرش مدیریتی با رویکرد ارتباطی یک مسیر و جهت مهم برای تحول است و پتانسیل‌های قابل توجهی برای عمل داراست (والیگو و همکاران، ۲۰۱۳).

بر این مبنای، برای واکاوی مناسب‌تر این مقوله، ابعاد مقوله اثرگذار و اثرپذیر این پژوهش در کشورهای گوناگون به شرح زیر واری شده است:

در پژوهش‌های پرشمار واری شده در این مقاله، آشکار شد بهبود ابعاد سرمایه اجتماعی روستاییان متأثر از رویکرد ارتباط‌محور می‌تواند زمینه را برای تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی فراهم سازد.

پژوهش‌ها در ارتباط با تحلیل رویکردهای حاکم بر مدیریت محلی در بهبود سرمایه اجتماعی در فراگرد تحول فضایی سکونتگاه‌های روستایی پی‌آمدهای گوناگونی نشان داده است. به گونه‌ای که رویکردهای حاکم بر نقش مدیران محلی برای بهبود سرمایه اجتماعی در تحول ابعاد فضا جایگاه ویژه‌ای یافته است (ژائو و همکاران، ۲۰۱۱). در این راستا، بهبود شاخص‌های سرمایه اجتماعی برای تحول به وسیله مدیریت محلی دارای اهمیت است (فیلیپس، ۲۰۱۴).

بر این بنیاد، تجارب بانک جهانی در پروژه‌های مشارکتی نشان می‌دهد برنامه‌ریزی که با اصالت متخصص انجام می‌شود غیرمشارکتی است. بدین ترتیب، برای مشارکت جوامع در فرایند تحولات فضایی در پروژه‌های این بانک از مواردی مانند ظرفیت‌سازی، اثربخشی، اشتراک‌گذاری هزینه، و بهره‌وری که در تحول مؤثرند بهره گرفته می‌شود. با بهبود ابعاد سرمایه اجتماعی و مشارکت روستاییان، می‌توان به رشد جامعه مدنی و همچنین مدیریت اجتماع‌محور کمک کرد (مک کینون، ۲۰۰۲).

بر این شالوده، در فرایند اثرات رویکرد اتخاذ شده مدیریت محلی باید به گونه‌ای باشد تا ظرفیت افراد را برای به دست گرفتن و کنترل توسعه و تحول فراهم سازد. بنابراین، در رویکرد به کار گرفته شده توسط مدیریت محلی توجه به مقوله سرمایه اجتماعی روستاییان و مشارکت آن‌ها در فرایند توسعه ضروری است. این در حالی است که در بیشتر مناطق سیاست‌های عمومی و رویکرد مدیریت محلی این درک از توسعه و تحول را ندارند.

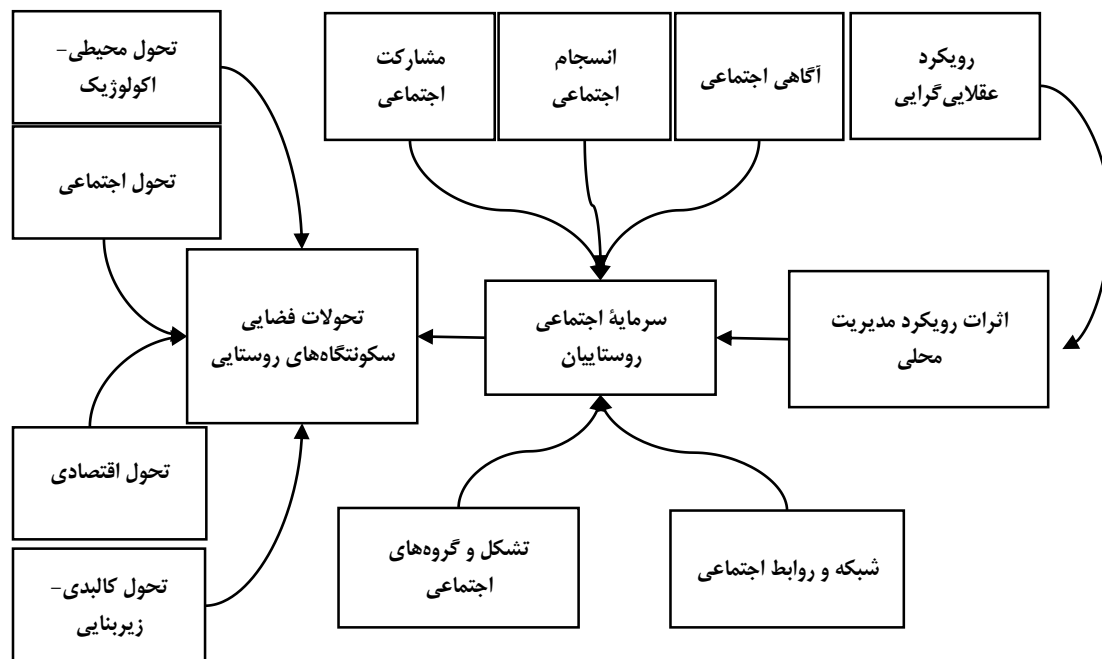
بهترین راه مقابله با فرایند رویکرد مدیریت محلی عقلایی‌گرایی سرمایه اجتماعی و همچنین آگاهی‌سازی افراد و نهادها و ایجاد کمپین و اجتماعات مردمی بیان شده است.

در این راستا، در ایران هم پژوهشی در ناحیه ورامین و پاکدشت آشکار ساخت توسعه پایدار روستایی تا حدود زیادی متأثر از بهبود ابعاد توانمندسازی به وسیله رویکرد برنامه‌ریزی است. به گونه‌ای که با رویکرد اجتماع‌محور در طرح‌ها و برنامه‌ها ابعاد توانمندسازی در فراگرد توسعه پایدار بهبود می‌یابد (شفیعی ثابت و میرواحدی، ۱۳۹۸).

همچنین، پژوهشی در منطقه بانه آشکار ساخت سرمایه اجتماعی و مشارکت مولد و فعالانه ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی تضمین‌کننده پایداری اقتصادی و توسعه اقتصادی روستاهاست، لیکن عملکرد درونی مدیریت محلی مبتنی بر رویکرد «حکومت‌محور» و از «بالا به پایین» موجب سرمایه اجتماعی و مشارکت نامولد و منفعلانه در محدوده مورد مطالعه شده و نتوانسته زمینه‌های ارتقای آگاهی اجتماعی، انسجام اجتماعی، تشکل اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی، و بهبود مشارکت اجتماعی ذی‌نفعان محلی را در طرح‌ها و برنامه‌ها و در توسعه اقتصادی روستاها فراهم آورد. بنابراین، نیازمند تغییر و اصلاح رویکرد حاکم بر نظام مدیریت روستایی و گذار از وضعیت مدیریت آمرانه و تمرکزگرایانه به مدیریت مشارکتی و تمرکززدا و توجه به عوامل تسهیل‌کننده عملکرد درونی مدیریت محلی است همچون افزایش سطح آگاهی و دانش، تقویت انگیزه و حس تعلق مکانی، افزایش میزان رضایت و تقویت امنیت شغلی مدیران محلی، تقویت حس مسئولیت‌پذیری در راستای ارتقای سرمایه اجتماعی و بهبود مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی در فرایند توسعه اقتصاد روستایی (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۹). به‌گونه‌ای که در مطالعه‌ای دیگر رابطه بین عملکرد دولت محلی در ارتقای سرمایه اجتماعی روستاییان و مشارکت آن‌ها در توسعه پایدار روستایی در روستاهای اطراف کلان‌شهر تهران آشکار ساخت که سرمایه اجتماعی یک اصل اصلی در بهبود ابعاد توسعه پایدار روستایی در نظر گرفته می‌شود و مدیرانی که در مشارکت با جامعه موفق به تولید و بهبود سرمایه اجتماعی می‌شوند موفق شناخته می‌شوند. یعنی افزایش سرمایه اجتماعی از طریق عملکرد دولت محلی میانگین ابعاد توسعه پایدار روستایی را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، افزایش اعتماد اجتماعی به اجرای برنامه‌های اجتماعی-اقتصادی توسط دولت محلی مشارکت روستاییان در اجرای برنامه‌ها، فعالیت‌های اجتماعی، و سرمایه‌گذاری اقتصادی در روستاها را افزایش می‌دهد که به بهبود ابعاد روستاهای پایدار منجر می‌شود (شفیعی ثابت و خاکسار، ۱۳۹۸).

بر این شالوده پژوهشی در ارتباط با تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت روستاییان در برنامه‌های توسعه روستایی با نقش میانجی، اثرات ادراک‌شده از برنامه‌ها و طرح‌ها در روستاهای تهران را آشکار ساخت که بیانگر تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی بر مشارکت روستاییان در برنامه‌های توسعه روستایی است؛ به سخن دیگر، با بهبود آگاهی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، و شبکه‌های اجتماعی نسبت به اجرای برنامه‌ها و طرح‌های اجتماعی-اقتصادی توسط مدیریت محلی، مشارکت روستاییان در اجرای طرح‌ها و شراکت در فعالیت‌های اجتماعی و سرمایه‌گذاری اقتصادی در روستاها افزایش یافته که در نتیجه موجب بهبود ابعاد توسعه پایدار روستایی شده است (شفیعی ثابت و خاکسار، ۱۳۹۸).

بر این اساس، در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر، مطالعات پُرشماری در کشورهای مختلف صورت گرفته است، لیکن اکثریت این پژوهش‌ها مقوله سرمایه اجتماعی را در ارتباط با روند توسعه روستاها بررسی کرده‌اند؛ حال آنکه نقش نگرش مدیریتی در سرمایه اجتماعی روستاییان در فراگرد تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر رویکرد حاکم بر فرایند آن موضوعی است که کمتر بدان پرداخته شده است. همچنین، نوآوری پژوهش حاضر نیز بدین جهت است که اثرات رویکرد حاکم بر مدیریت محلی بر بهبود سرمایه اجتماعی به‌مثابه متغیر واسطه و تأثیر این دو بر ابعاد تحول فضای روستایی واکاوی شده است. بررسی این پژوهش‌ها از یک سو به مسئله‌شناسی، مسئله‌یابی، و متدولوژی پژوهش حاضر مدد رسانده و از سوی دیگر زمینه‌ای برای مقایسه نتایج پژوهش‌های پیشین با پژوهش حاضر فراهم ساخته است. در این راستا بر اساس ادبیات نظری و پیشینه پژوهش چارچوب مفهومی پژوهش به شرح زیر است (شکل ۱).



شکل ۱. چارچوب مفهومی پژوهش
 مأخذ: بر اساس واکاوی ادبیات و پیشینه پژوهش، ۱۳۹۹

روش پژوهش

در پژوهش حاضر به واکاوی اثرات رویکرد حاکم بر مدیریت محلی بر بهبود سرمایه اجتماعی در فراگرد تحولات فضایی بخش اسفندقه پرداخته شده است. بنابراین، از نظر هدف بنیادی و از نگرش شیوه اجرای پژوهش در زمره پژوهش‌های پیمایشی و بر حسب ماهیت داده‌ها از نوع پژوهش‌های کمی است و مؤلفه‌ها و شاخص‌های اثرگذار و اثرپذیر پژوهش بر اساس سؤال‌ها، فرضیه‌ها، و چارچوب مفهومی پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی واکاوی شده است. روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی است. به سخن دیگر، برای تدوین مبانی نظری و پیشینه پژوهش و ادبیات موضوع از روش کتابخانه‌ای و برای جمع‌آوری داده‌های میدانی در ارتباط با شاخص‌ها، گویه‌ها، و سنجه‌های مؤلفه اثرگذار و مؤلفه اثرپذیر از روش پیمایش میدانی بهره گرفته شده است. جامعه آماری پژوهش شامل ۴۲ روستای دارای سکنه بخش اسفندقه بوده است (نتایج سرشماری شهرستان جیرفت، سال ۱۳۹۵). در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه تصادفی و برای تکمیل پرسش‌نامه در سطح روستا، سی روستا به روش طبقه‌ای در دو گروه (روستاهای کوهستانی و دشتی) به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس، در درون روستاهای انتخابی، خانوارهای نمونه تصادفی بر اساس روش نسبت به اندازه خانوار روستاها^۱ (P.P.S) انتخاب شد. در این ارتباط، حجم نمونه محاسبه شده برای روستاییان بر اساس فرمول کوکران^۲ (سرای، ۱۳۹۳) با سطح اطمینان ۹۵ درصد و پیش‌برآورد واریانس ۰/۲۵ (۰/۵*۰/۵) و دقت احتمالی مطلوب ۵ درصد، تعداد ۳۴۴ خانوار محاسبه شد. از آنجاکه تعداد نمونه پرسش‌نامه در تعدادی از روستاها با توجه به روش نسبت به اندازه خانوار روستاها (P.P.S) برای تکمیل پرسش‌نامه به حد نصاب لازم نرسید، تعداد پرسش‌نامه‌های خانوار به ۳۷۰ خانوار افزایش یافت.

^۱ Probability Proportional to Size

^۲ Cochran

تجزیه و تحلیل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و تجمیع پرسش‌ها برای ورود به مدل و تحلیل سازه‌ها و روابط بیان‌شده در چارچوب نظری با استفاده از نرم‌افزار آموس^۱ گرافیک انجام شد. در این رابطه برای تبیین دقیق سؤال‌ها و فرضیه‌های پژوهش و برای سنجش ابعاد گوناگون اثرات رویکرد مدیریت محلی (رویکرد عقلایی‌گرایی) و تأثیر آن بر شاخص‌های سرمایه اجتماعی روستاییان همچون آگاهی اجتماعی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، شبکه اجتماعی، تشکل اجتماعی، و مشارکت اجتماعی در فرایند تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی در ابعاد محیطی - اکولوژیک، اجتماعی - اقتصادی، و کالبدی - زیربنایی از مطالعات پژوهشگران گوناگون بهره گرفته شد. به‌منظور اطمینان از انطباق سؤال‌های برگرفته از پژوهش‌های پیشین با متغیرهای پژوهش و برای مشخص‌شدن روایی صوری این شاخص‌ها و انطباق آن با شرایط ایران و روستاهای ناحیه مورد مطالعه، درجه اهمیت شاخص‌های مؤلفه اثرگذار و اثرپذیر پژوهش توسط چند تن از صاحب‌نظران دانشگاهی در حوزه برنامه‌ریزی روستایی در سطح دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و خوارزمی، و کارشناسان فرمانداری و جهاد کشاورزی بخش اسفندقه سنجش شد. پس از دریافت نظرات آن‌ها، کارهای اصلاحی در پرسشنامه صورت گرفت و تعدادی از سؤال‌های بی‌اهمیت حذف شد. سنجش این شاخص‌ها به‌صورت گزینه‌های رتبه‌ای طیفی لیکرت از مقدار ۱ خیلی کم تا مقدار ۵ خیلی زیاد بود. برای بررسی پایایی و قابل اعتماد بودن داده‌های پرسش‌نامه‌ای پژوهش از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد (آشتیانی، ۱۳۸۹). بنابراین، ابتدا یک نمونه سی‌تایی از پرسش‌نامه در جامعه مورد نظر توزیع شد و با توجه به مقدار آلفای کرونباخ به‌دست‌آمده ویرایش نهایی پرسش‌نامه صورت گرفت و در نمونه مربوط توزیع شد. سرانجام، برای پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ ۰/۹۲۶ به‌دست آمد. بنابراین، مقدار آلفای به‌دست‌آمده این پژوهش چون به عدد ۱ نزدیک است، قابل اعتماد است.

برای سنجش اثرات حاکم رویکرد مدیریت محلی در قالب رویکرد عقلایی‌گرایی و ارتباطی سکونتگاه‌های روستایی، هفت سؤال مطابق جدول ۱ در قالب اثرات رویکرد حاکم مدیریت محلی ارزیابی شد.

جدول ۱. ابعاد و متغیرهای مورد بررسی در زمینه رویکرد حاکم بر مدیریت محلی

ابعاد اصلی	متغیر مکنون	متغیر آشکار	پژوهشگران
	عقلایی‌گرایی	اثرات تعدد زیاد مراکز تصمیم‌گیری در مدیریت فرادست بر عملکرد مدیریت محلی در راستای بهبود سرمایه اجتماعی روستاییان	Cahyo, 2018; Lestarin, 2018; Ryser, 2018
		اثرات تفویض اختیار محدود بر عملکرد مدیریت محلی در راستای بهبود سرمایه اجتماعی روستاییان	
اثرات رویکرد مدیریت محلی		اثرات اعطای اعتبار و تسهیلات مالی بر عملکرد مدیریت محلی در راستای بهبود سرمایه اجتماعی روستاییان	
		اثرات ارتباط مدیریت محلی با نهادهای فرادست در زمینه تصمیم‌گیری‌های مربوط به مسائل اجتماعی و اقتصادی روستا بر عملکرد آن‌ها در راستای بهبود سرمایه اجتماعی روستاییان	
ارتباط محور		اثرات ارتباط مدیریت محلی با نهادهای فرادست در زمینه اجرای پروژه‌ها بر عملکرد آن‌ها در راستای بهبود سرمایه اجتماعی روستاییان	Cahyo, 2018; Lestarin, 2018; Lekaota, 2015
		اثرات ارتباط مدیریت محلی با نهادهای فرادست در زمینه پیگیری امور محوله بر عملکرد آن‌ها در راستای بهبود سرمایه اجتماعی روستاییان	
		اثرات ارتباط مدیریت محلی با روستاییان در زمینه پیگیری امور محوله بر عملکرد آن‌ها در راستای بهبود سرمایه اجتماعی روستاییان	

مأخذ: بر اساس واکاوی ادبیات پیشینه نظری پژوهش، سال ۱۳۹۹

جدول ۲. متغیرهای مکنون و آشکار سرمایه اجتماعی روستاییان

متغیر اصلی	متغیر مکنون	متغیر آشکار	پژوهشگران
آگاهی اجتماعی	آگاهی	آگاهی روستاییان نسبت به حقوق خود	Yongguilu, Sato et al., 2006; Musavengane et al., 2011; Regis Matthias Fink, 2018; al., 2016; Richard lang and Briankeogh, 1990; Qiaoming liu, 2009.
		آگاهی روستاییان نسبت به وظایف سازمان‌های دولتی و غیردولتی	
انسجام اجتماعی	انسجام	آگاهی روستاییان از فعالیت‌های مذهبی، اجتماعی، و خیریه	Karimi moghari, 2014; Soonhee Kim, 2012; Regis, 2016; Richard L ang and Matthias Fink, 2018; Qiaoming liu, 2009
		آگاهی روستاییان نسبت به مزایای مشارکت در فعالیت‌های مختلف روستا از جمله امور اجتماعی - اقتصادی و پروژه‌های عمرانی	
شبکه و روابط اجتماعی	شبکه و روابط اجتماعی	افزایش روحیه گذشت و فداکاری روستاییان با یکدیگر و احترام آنان به همدیگر و همبستگی میان آنها	Bakker, 2019; Rostami, 2013
		کاهش میزان اختلاف، درگیری و نزاع میان مردم روستا و همبستگی و همکاری روستاییان با مردم روستای مجاور	
سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی	کاهش چنددستگی و اختلاف بین طایفه‌ای و همدلی میان مردم، حل اختلافات محلی و زمینه‌سازی جهت رفع اختلاف، درگیری، و نزاع در روستا	Rothstein and stole, 2008; Alipour 2009; Soonhee Kim, 2012; Oxford Dictionary, 2018
		افزایش احترام مردمان روستا در مقابل ریش‌سفیدان، اعضای شورا، دهیار، و بخشدار اقوام و همسایگان و دوستان در روستا به دیدن همدیگر می‌آیند	
اعتماد اجتماعی	اعتماد اجتماعی	افزایش فعالیت گروهی روستاییان و فعالیت آن‌ها در گروه‌های ورزشی	Lekaota, 2015; Ryser, 2018
		افزایش فعالیت روستاییان در نهاد فرهنگی بسیج	
تشکل‌سازی و نهادسازی	تشکل‌سازی و نهادسازی	افزایش فعالیت روستاییان در صندوق قرض‌الحسنه	Sun Ying, 2018; Yongguilu, 2011; Durga, 2013
		شرکت روستاییان در مهمانی‌های گروهی	
مشارکت اجتماعی	مشارکت اجتماعی	افزایش فعالیت روستاییان در تعاونی و صندوق‌های مالی خانوادگی و اطرافیان	
		فعالیت روستاییان در گروه‌های مذهبی و گروه‌های خیریه	
اعتماد اجتماعی	اعتماد اجتماعی	افزایش اعتماد به همسایگان، اقوام، دوستانان، و رضایت از محل زندگی	
		افزایش اعتماد به مدارس آموزش و پرورش و مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای	
تشکل‌سازی و نهادسازی	تشکل‌سازی و نهادسازی	افزایش اعتماد روستاییان به دهیار، شورا، بخشدار، شورای حل اختلاف روستایی، و انجمن اسلامی محل	
		افزایش اعتماد روستاییان به روحانی مسجد و هیئت‌های مذهبی و هیئت‌امانی محله	
تشکل‌سازی و نهادسازی	تشکل‌سازی و نهادسازی	افزایش اعتماد روستاییان به مؤسسات مالی غیررسمی و افزایش اعتماد به بانک دولتی و صندوق قرض‌الحسنه روستا	
		افزایش اعتماد روستاییان به مرکز خدمات کشاورزی و سازمان کشاورزی و سازمان‌های آموزش کشاورزی و سازمان‌های آموزش اجتماعی	
تشکل‌سازی و نهادسازی	تشکل‌سازی و نهادسازی	افزایش اعتماد روستاییان به کارگاه‌های تولیدی، فروشگاه‌های روستا و تعاونی مصرف روستایی	
		ایجاد و پیگیری لازم برای شکل‌دهی تشکل‌های مختلف توسط سازمان‌های دولتی و تشویق مردم روستا برای شکل‌دهی و گسترش تشکل‌ها و عضویت در آن	
تشکل‌سازی و نهادسازی	تشکل‌سازی و نهادسازی	ایجاد و گسترش تشکل تولید کشاورزی (تعاونی دامداران، باغداران، گندم‌کاران و غیره) و افزایش تشکل تولیدی غیر کشاورزی	
		ایجاد یا گسترش فعالیت تشکل‌های سیاسی همچون بسیج، انجمن اسلامی، و تشکل مذهبی	
مشارکت اجتماعی	مشارکت اجتماعی	ایجاد زمینه‌های لازم برای لایروبی گروهی قنات‌ها و نهرها و جوی آب و نگهداری چاه آب و منبع آب روستا	
		مشارکت روستاییان در کار گروهی، جشن، و مراسم‌های دوستان، همسایگان، و اقوام در روستا	
مشارکت اجتماعی	مشارکت اجتماعی	شراکت و سرمایه‌گذاری روستاییان در فعالیت کشاورزی و غیر کشاورزی در روستای خودشان و روستای مجاور	
		افزایش شراکت و سرمایه‌گذاری مشترک روستاییان با شهریان و احداث مرکز درمانی و بهداشتی روستا	

مآخذ: بر اساس واکاوی ادبیات پیشینه نظری پژوهش، سال ۱۳۹۹

برای سنجش ابعاد تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی، ده سؤال مطابق جدول ۳ در قالب ابعاد محیطی - اکولوژیک، اجتماعی - اقتصادی، و کالبدی - زیربنایی ارزیابی شد.

جدول ۳. متغیرهای ابعاد تحولات فضایی

پژوهشگران	متغیر آشکار	متغیر مکنون	متغیر اصلی
Cahyo, 2018; Lestarini, 2018; Ryser, 2018	مقابله با رخداد خشک‌سالی، حوادث، و رویدادهای غیرمترقبه طبیعی و غیرطبیعی نظارت و پیگیری برای سنددار کردن و تعیین مالکیت اراضی و نظارت بر حسن اجرای مقررات مربوط به حفاظت و بهسازی محیط زیست و بهره‌برداری از منابع طبیعی	محیطی - اکولوژیک	
Cahyo, 2018; Lestarini, 2018; Lekaota, 2015	بهبود شرایط بهداشتی، دفع فاضلاب و تجمع‌آوری زباله بهبود تأمین آب شرب و کشاورزی و رفع مشکلات آن برگزاری کارگاه‌های مختلف برای فعالیتهای کشاورزی و غیرکشاورزی توسط سازمان‌های مربوط برای افزایش دانش و مهارت روستاییان	اجتماعی	تحولات فضایی
Cahyo, 2018; Lestarini, 2018; Rothstein and stole, 2008	پیگیری و نظارت بر زمینه‌سازی ایجاد واحدهای صنعتی، صنایع دستی کوچک، گلخانه، تولید گیاهان دارویی پیگیری و نظارت بر ارائه وام تسهیلات مالی به خانوار روستایی برای فعالیتهای مختلف	اقتصادی	سکونتگاه‌های روستایی
Cahyo, 2018; Lestarini, 2018; Qiaoming liu, 2009	حفظ نظم و امنیت فیزیکی و انتظامی، حل اختلاف، روشنایی معابر، و نظایر آن نظارت به‌موقع بر حفظ و نگهداری تأسیسات عمومی، احداث و تعمیر مدارس روستا، تعمیر و نگهداری تجهیزات و سایر خدمات روستایی و اموال و دارایی‌ها پیگیری و نظارت بر ساخت و ساز مساکن و عملیات عمرانی نظیر راه، برق‌رسانی، عملیات گازرسانی، بهبود امکانات رفاهی و خدماتی و نظایر آن	کالبدی - زیربنایی	

مأخذ: بر اساس واکاوی ادبیات پیشینه نظری پژوهش، سال ۱۳۹۹

بحث و یافته‌ها

از مجموع ۳۷۰ خانوار پاسخ‌دهنده در نقاط روستایی مورد مطالعه، حدود ۵۸/۶ درصد مرد و در حدود ۴۱/۴ درصد زن بوده‌اند. همچنین، سطح تحصیلات حدود ۳۵/۹ درصد در سطح ابتدایی و راهنمایی بوده است، ۴۳ درصد دارای تحصیلات متوسطه، دیپلم، و کاردانی بوده‌اند و حدود ۲۱/۱ درصد دارای مدرک کارشناسی و بالاتر بوده‌اند. شغل حدود ۶۰ درصد پاسخ‌گویان کشاورزند، ۳۰ درصد کاسب، و حدود ۱۰ درصد صنعتگر.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از جدول ۲، میان مقوله سرمایه اجتماعی و اثرات رویکرد حاکم بر مدیریت محلی به‌مثابه متغیر مستقل بر تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی بخش اسفندقه به میزان ۰/۴۸۱ همبستگی بوده است. همچنین، بر اساس ضریب تعیین واریانس، ۰/۲۳۶ درصد تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی در ناحیه مورد مطالعه توسط سرمایه اجتماعی تبیین شده است (جدول ۴).

جدول ۴. نتایج رگرسیون مؤلفه‌های اثرگذار سرمایه اجتماعی بر تحولات فضایی

مدل	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R ²)	ضریب تعیین تعدیل‌شده	خطای استاندارد
	۰/۴۸۱	۰/۲۳۶	۰/۲۳۰	۰/۵۹۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

همچنین، مطابق یافته‌های پژوهش بر اساس مقدار محاسبه‌شده برای F، در سطح اطمینان ۴۰٪ می‌توان گفت که ترکیب خطی متغیرهای مستقل قادر به تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته (تحولات فضایی) هرچند به‌صورت ضعیف است (جدول ۵).

جدول ۵. معنی‌داری رگرسیون مؤلفه‌های اثرگذار سرمایه اجتماعی در تحولات فضایی

اثر رگرسیون	مجموع	درجه آزادی df	میانگین مربعات	F	سطح معنی‌داری Sig.
	۵,۰۶۰	۶	۰,۸۴۲	۲,۴۲۴	۰,۰۴۰
باقی‌مانده	۱۶,۳۵۵	۴۲	۰,۳۴۲		
کل	۲۲,۴۲۰	۵۶			

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

درنهایت، بر اساس ضریب استاندارد شده تأثیر شاخص‌های مقوله اثرگذار بر شاخص‌های مقوله اثرپذیر، نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های اثرگذار متأثر از اثرات رویکرد حاکم بر مدیریت محلی، به‌جز در شاخص انسجام اجتماعی، بین آن‌ها در هیچ‌یک از شاخص‌های سرمایه اجتماعی معنی‌دار نشد. به سخن دیگر، تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی ناحیه مورد مطالعه متأثر از سطح پایین بهبود شاخص‌های مقوله سرمایه اجتماعی است و هیچ‌یک در تبیین تحولات فضایی روستایی جایگاه خود را نیافته است. تنها شاخص معنی‌دار شاخص انسجام بین آن‌ها بوده است. بر این شالوده، اثرات رویکرد حاکم بر مدیریت محلی به دلیل عملکرد کاملاً متمرکز و کم‌توجهی به شاخص‌های مقوله سرمایه اجتماعی و مشارکت روستاییان در هیچ‌یک از شاخص‌های سرمایه اجتماعی روستاییان اقدام اثربخشی انجام نداده است که باعث بهبود این شاخص‌ها در فرایند تحول فضای روستایی شود (جدول ۶).

جدول ۶. ضرایب میزان تأثیر شاخص‌های اثرگذار و اثرپذیر

ابعاد	ضریب غیراستاندارد		ضریب استاندارد	T	سطح معنی‌داری
	B	Std. Error			
انسجام اجتماعی	۰,۷۴۰	۰,۱۱۲	۰,۳۵۶	۶,۶۰۲	۰,۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

بر این شالوده با توجه به معنی‌دار نشدن هر یک از شاخص‌های سرمایه اجتماعی روستاییان در فراگرد تحول فضایی روستایی، نتایج حاکی از آن است که در روستاهای ناحیه مورد مطالعه اقدامات بسیار محدودی در زمینه بهبود شاخص‌های سرمایه اجتماعی که شالوده رویکرد ارتباطی بر آن استوار است صورت گرفته است. بدین ترتیب، روستاییان این ناحیه مشارکت بسیار کمی در فرایند تحول روستاها دارند. علاوه بر این، برای سنجش دقیق‌تر تأثیرات رویکرد کنونی حاکم بر مدیریت محلی (مجزا و متخصص محور) در بهبود شاخص‌های سرمایه اجتماعی روستاییان (آگاهی اجتماعی، تشکل اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، و مشارکت اجتماعی) و تحولات فضایی (محیطی - اکولوژیک، اجتماعی - اقتصادی، کالبدی - زیربنایی) و برای تعیین دقیق‌تر ارتباط علی بین متغیرها با استفاده از سه تحلیل CFA انجام شد؛ به‌گونه‌ای که شکل ۲ و ۳ و ۴ نمودارهای مسیر این سه متغیر را بر اساس متغیرهای مشاهده‌شده جدول ۱، ۲، ۳، و ۴ نشان می‌دهد و برآورد استاندارد ضرایب مسیر هر کدام از این سه متغیر در جدول‌های ۹، ۱۰، و ۱۱ آمده است که بر اساس شاخص‌های برازندگی دامنه پذیرش هریک از شاخص‌های برازش در جدول ۷ ارائه شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که ضرایب مسیر متغیر سرمایه اجتماعی و متغیر تحولات فضایی و ارتباط این دو دارای برازش مطلوب است، اما برازش سرمایه اجتماعی متأثر از رویکرد حاکم در ارتباط با تحولات فضایی - همان‌طور که در جدول ۱۰ و شکل ۴ نشان داده شده است - نامطلوب است.

جدول ۷. شاخص‌های برازندگی مدل

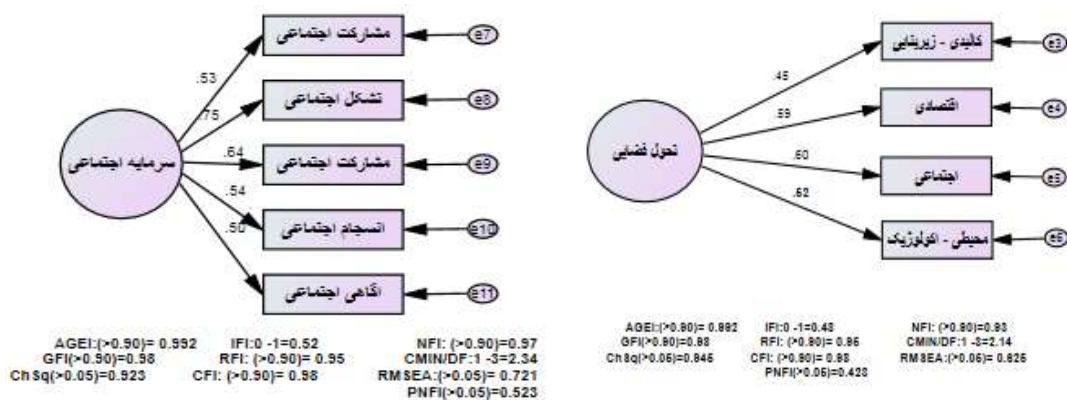
شاخص برازندگی	شاخص‌های برازش مطلق		شاخص‌های برازش تطبیقی				شاخص‌های برازش مقتصد			
	Chi Square	χ^2 d.f	AGFI	CFI	IFI	NFI	RMSE A	CMIN/d f	PNFI	RFI
دامنه پذیرش	>۰.۰۵	>۲	>۰.۹۰	>۰.۹۰	>۰.۹۰	>۰.۹۰	>۰.۰۵	۱-۳	>۰.۰۵	>۰.۰۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

جدول ۸. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی و تحولات فضایی

تفسیر	ملاک	سرمایه اجتماعی		اختصار	نام شاخص
		میزان	میزان		
برازش مطلوب	بیشتر از ۰.۹۰	۰.۹۹۲	۰.۹۹۲	AGFI	شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده
برازش مطلوب	بیشتر از ۰.۹۰	۰.۹۸	۰.۹۸	GFI	شاخص نیکویی برازش
برازش مطلوب	بیشتر از ۰.۰۵	۰.۸۴۶	۰.۸۲۸	Chi Square	شاخص سطح پوشش کای دو
برازش مطلوب	بین ۱-۰	۰.۴۸	۰.۶۲	IFI	شاخص برازش فزاینده
برازش مطلوب	بیشتر از ۰.۹۰	۰.۹۵	۰.۹۵	RFI	شاخص برازش نسبی
برازش مطلوب	بیشتر از ۰.۹۰	۰.۹۵	۰.۹۵	CFI	شاخص برازش تطبیقی
برازش مطلوب	بیشتر از ۰.۹۰	۰.۹۳	۰.۹۷	NFI	شاخص برازش هنجار شده
برازش مطلوب	بین ۳-۱	۲.۱۴	۲.۱۴	CMIN,df	کای مربع بهنجار شده
برازش مطلوب	بیشتر از ۰.۰۵	۰.۸۲۶	۰.۷۳۱	RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد
برازش مطلوب	بیشتر از ۰.۰۵	۰.۴۲۳	۰.۵۲۳	PNFI	شاخص برازش مقتصد هنجار شده

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹



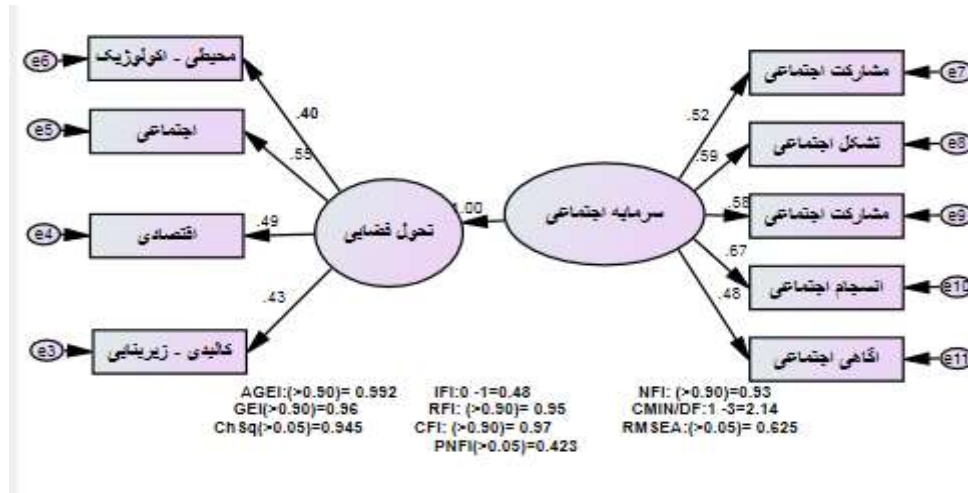
شکل ۲. برآوردهای استاندارد مدل‌های عاملی تأییدی برای اعتبارسنجی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

جدول ۹. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی و تحولات فضایی

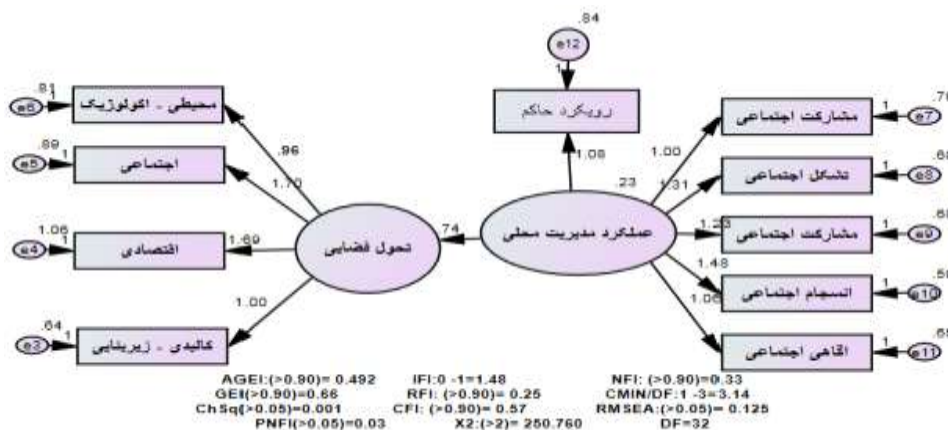
تفسیر	ملاک	میزان	اختصار	نام شاخص
برازش مطلوب	بیشتر از ۰.۹۰	۰.۹۹۲	AGFI	شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده
برازش مطلوب	بیشتر از ۰.۰۵	۰.۸۴۵	Chi Square	شاخص سطح پوشش کای دو
برازش مطلوب	بین ۱-۰	۰.۴۸	IFI	شاخص برازش فزاینده
برازش مطلوب	بیشتر از ۰.۹۰	۰.۹۵	RFI	شاخص برازش نسبی
برازش مطلوب	بیشتر از ۰.۹۰	۰.۹۷	CFI	شاخص برازش تطبیقی
برازش مطلوب	بیشتر از ۰.۹۰	۰.۹۳	NFI	شاخص برازش هنجار شده
برازش مطلوب	بین ۳-۱	۲.۱۴	CMIN,df	کای مربع بهنجار شده
برازش مطلوب	بیشتر از ۰.۰۵	۰.۶۲۵	RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد
برازش مطلوب	بیشتر از ۰.۰۵	۰.۴۲۳	PNFI	شاخص برازش مقتصد هنجار شده

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹



شکل ۳. ساختار تحلیل برازش کلیت اندازه‌گیری متغیرهای وابسته و مستقل پژوهش
 مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

برای برازش کلیت اندازه‌گیری متغیرهای وابسته و مستقل پژوهش مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی برازش مدل از منابع مستند استخراج شده و مقادیر محاسبه شده با معیارهای پیشنهادی تطبیق داده شد. به گونه‌ای که می‌توان چنین بیان کرد که مدل‌های اندازه‌گیری ترسیم شده شرایط لازم را برای طراحی مدل نهایی پژوهش دارا هستند. بر این اساس، برای سنجش تأثیر متغیر مستقل، اثرات رویکرد مجزا و متخصص محور بر سرمایه اجتماعی روستاییان در فراگرد تحولات قضایی (متغیر وابسته) در ناحیه مورد مطالعه به سه دسته متغیر در قالب اثرات رویکرد حاکم بر مدیریت محلی، سرمایه اجتماعی روستاییان، و تحولات قضایی سکونتگاه‌های روستایی طراحی شده است. در مدل‌سازی معادلات ساختاری با تأکید بر نرم‌افزار آموس برای شناخت میزان همخوانی داده‌های تجربی و مدل نظری از شاخص‌ها و معیارهایی استفاده می‌شود که به آن‌ها شاخص نیکویی برازش می‌گویند و از شاخص‌های متفاوتی برای حصول اطمینان از نیکویی برازش استفاده می‌شود. در مدل‌یابی معادلات ساختاری باید برای تعیین برازش مدل از سه شاخص برازش مطلق و تطبیقی استفاده شود. به گونه‌ای که دو شاخص AGFI و GFI هرچه به یکدیگر نزدیک‌تر باشند برازش کامل مدل را بیشتر نشان می‌دهند و کم‌بودن شاخص RMSEA (کمتر از ۰/۰۸) به منزله مطلوبیت برازش مدل است.



شکل ۴. ارتباط رویکرد فعلی حاکم بر مدیریت محلی و سطح تحول در سکونتگاه‌های روستایی ناحیه مورد مطالعه
 مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

به‌منظور اثرگذاری و ارتباط بین رویکرد فعلی حاکم بر مدیریت محلی به لحاظ سرمایه اجتماعی در تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی شکل ۴ طراحی شد. مدل ارتباطی استاندارد (تحلیل مسیر) اثرات رویکرد حاکم بر مدیریت به لحاظ سرمایه اجتماعی در تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی را نشان می‌دهد. به‌گونه‌ای که کلیه پارامترها بررسی شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که رویکرد حاکم بر مدیریت محلی به بهبود ابعاد سرمایه اجتماعی و در نتیجه تحولات فضایی کم‌توجهی کرده است (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری رویکرد حاکم بر مدیریت محلی و سطح تحول فضایی

نام شاخص	اختصار	میزان	ملاک	تفسیر
شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده	AGFI	۰/۴۹۲	بیشتر از ۰/۹۰	برازش نامطلوب
شاخص نیکویی برازش	GFI	۰/۶۶	بیشتر از ۰/۹۰	برازش نامطلوب
شاخص سطح پوشش کای دو	Chi Square	۰/۰۰۱	بیشتر از ۰/۰۵	برازش نامطلوب
شاخص برازش فزاینده	IFI	۱/۴۸	بین ۱-۰	برازش نامطلوب
شاخص برازش نسبی	RFI	۰/۲۵	بیشتر از ۰/۹۰	برازش نامطلوب
شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰/۵۷	بیشتر از ۰/۹۰	برازش نامطلوب
شاخص برازش هنجار شده	NFI	۰/۳۳	بیشتر از ۰/۹۰	برازش نامطلوب
کای مربع بهنجار شده	CMIN/df	۳/۱۴	بین ۳-۱	برازش نامطلوب
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰/۱۲۵	بیشتر از ۰/۰۵	برازش نامطلوب
شاخص برازش مقتصد هنجار شده	PNFI	۰/۰۳	بیشتر از ۰/۰۵	برازش نامطلوب

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

ارزیابی و کارایی مدل

در مجموع، در پاره‌ای زمان‌ها، ارزیابی و کارایی مدل را می‌توان از معنی‌نا بودن کای دو مشخص کرد. باین‌حال، یک قاعده کلی وجود دارد و آن اینکه اگر نسبت بین کای دو و درجه آزادی کمتر از ۲ باشد، مدل مناسب است: $(\frac{\chi^2}{d.f} < 2)$. در

این پژوهش مقدار آماره کای دو ۲۵۰/۷۶۰ و درجه آزادی ۳۲ است. پس

$$\frac{\chi^2}{d.f} = \frac{250/760}{32} = 7.83 > 2$$

بنابراین، مدل برازش یافته با داده‌های حاصل شده همخوانی ندارد. Chi-square سطح تحت پوشش کای دو است که مقدار آن در این پژوهش ۰/۰۰۱ به دست آمد و بیشتر از ۰/۰۵ است و برازش آن نامطلوب است ($p\text{-value} > 0.05$). AGFI شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده است که برازش مدل پیشنهاد شده به مدل مستقل (که فرض می‌کند بین داده‌ها رابطه‌ای وجود ندارد) را می‌سنجد و در مدل برابر ۰/۴۹۲ است. با توجه به اینکه مقادیرهای ۰/۹۰ و بالاتر قابل قبول‌اند، این اندازه‌ها کوچک‌تر است و نمایانگر برازش نامطلوب مدل است. RMSEA شاخص نیکویی برازش است که مقدار نسبی واریانس‌ها و کوواریانس‌ها را به‌گونه‌ای مشترک از راه مدل ارزیابی می‌کند. ویژگی خاص شاخص GFI این است که به حجم نمونه بستگی ندارد. دامنه تغییرات این دو شاخص بین صفر و یک است. بنابراین، مقدار به دست آمده در این پژوهش که برابر یا از ۰/۶۶ که بیشتر از ۰/۹۰ است نمایانگر برازش نامطلوب است. NFI شاخص برازش هنجار شده است که در این پژوهش ۰/۳۳ است و بیشتر از ۰/۹۰ است که نمایانگر برازش نامطلوب است. CFI شاخص برازش تطبیقی است که در این پژوهش ۰/۵۷ به دست آمد و بیشتر از ۰/۹۰ است که نمایانگر برازش نامطلوب است. RFI شاخص برازش نسبی است که در این پژوهش ۰/۲۵ به دست آمد و بیشتر از ۰/۹۰ است که نمایانگر برازش نامطلوب است. IFI شاخص برازش فزاینده است که در این پژوهش ۱/۴۸ به دست آمد است که نمایانگر برازش

مطلوب است، چون بین ۱-۳ است. PNFI شاخص برازش مقتصد هنجار شده است که در این پژوهش ۰/۰۳ به دست آمد که بیشتر از ۰/۰۵ است و نمایانگر برازش نامطلوب است. CMIN کای مربع بهنجار شده است که در این پژوهش ۲/۴۹ به دست آمد که مقدار آن بین ۱-۳ است و نمایانگر برازش نامطلوب است. بدین ترتیب، بر اساس نتایج مقدار p -value سطح تحت پوشش کای دو برابر با ۰/۰۰۱ با درجه آزادی ۳۲ که این مقدار کمتر از ۰/۰۵ نشان دهنده تأیید نشدن مدل است. شاخص نیکویی برازش ۰/۶۰ است که نشان دهنده قابل قبول نبودن این میزان برای برازش مطلوب مدل است. مقدار ریشه میانگین مربعات که شاخص دیگر نیکویی برازش است نیز ۰/۱۲۵ است که با توجه به اینکه بیشتر از ۰/۰۵ است قابل قبول نیست و نشان دهنده تأیید نشدن اثر فعلی رویکرد حاکم بر مدیریت محلی به لحاظ سرمایه اجتماعی در تحولات فضایی است. دیگر شاخص نیکویی برازش برای معادلات ساختاری همگی نشان دهنده برازش نامطلوب است. بدین ترتیب بر اساس دیدگاه روستاییان و انعکاس آن در مدل تحلیل مسیر، رویکرد فعلی حاکم بر مدیریت محلی به بهبود ابعاد سرمایه اجتماعی و در نتیجه تحولات فضایی کم توجهی کرده و این مسئله موجب شده است تا بهبود ابعاد تحولات فضایی در سکونتگاه‌های روستایی صورت نگیرد. بنابراین، تغییر رویکرد مدیریت محلی به سمت رویکرد اجتماع محور و تقویت ابعاد سرمایه اجتماعی با هدف مشارکت مردم در اجرای برنامه‌های تحول فضایی احساس می‌شود. در این راستا اثرات رویکرد حاکم بر مدیریت محلی در بهبود ابعاد سرمایه اجتماعی روستاییان باعث شده است که تحولات ابعاد محیطی - اکولوژیک، اجتماعی - اقتصادی، و کالبدی - زیربنایی فضای سکونتگاهی در ناحیه مورد مطالعه در سطح پایینی قرار بگیرد. بر این اساس، نتایج به دست آمده با یافته‌های شفیع ثابت و میرواحدی (۱۳۹۸) همخوانی ندارد که آن‌ها در پژوهش خود در ناحیه ورامین و پاکدشت به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه روستایی تا حدود زیادی متأثر از بهبود ابعاد توانمندسازی به وسیله رویکرد برنامه‌ریزی است؛ به گونه‌ای که با رویکرد اجتماع محور در برنامه و طرح‌ها ابعاد توانمندسازی در فراگرد توسعه بهبود می‌یابد. همچنین، در زمینه توجه به مقوله سرمایه اجتماعی و بهبود شاخص‌های آن در فرایند برنامه‌ریزی مدیران محلی با یافته‌های بالکاندی و کیلدف، (۲۰۰۶) مطابقت دارد؛ به گونه‌ای که دریافته‌های پژوهشی آن‌ها به نبود بهبود شاخص‌های سرمایه اجتماعی روستاییان و در پی آن پایین بودن میزان بهبود شاخص‌های تحولات فضایی اشاره شده است. بنابراین، بر رویکرد مدیریتی - ارتباطی و توجه به مواردی همچون بهبود نظام مدیریتی سازمان‌ها و نهادهای دست‌اندرکار توسعه و تحولات روستایی از طریق اجرای شیوه‌های مشارکتی و افزایش سطح آگاهی، بهبود اعتماد، انسجام، شکل‌سازی و نهادسازی، و مشارکت تأکید شده است. همچنین، رویکرد حاکم بر مدیریت محلی و عملکرد نامطلوب این فرایند در جهت سرمایه اجتماعی روستاییان و تحولات فضایی در ناحیه مورد مطالعه با یافته‌های رمضانی و همکاران (۱۳۹۹) مطابقت ندارد. زیرا در آن پژوهش‌ها تحول اجتماع محور و به کارگیری توان جمعی همه روستاییان و اجرای برنامه‌های مبتنی بر سرمایه اجتماعی و ظرفیت‌سازی دست‌اندرکاران تحول و در نهایت مشارکت همه روستاییان در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت محلی به پیوند و هم‌افزایی بیشتر مدیریت محلی و روستاییان و در پی آن تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی منجر شده است.

نتیجه‌گیری

در کنار عوامل مؤثر بر تحولات فضایی، امروزه سرمایه اجتماعی متأثر از اثرات رویکرد مدیریت محلی یکی از مؤلفه‌های اصلی مورد نیاز برای تحولات فضایی جوامع تلقی می‌شود. بنابراین، در این پژوهش، اثرات رویکرد مدیریت محلی بر بهبود سرمایه اجتماعی در فراگرد تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی در روستاهای پیرامون بخش اسفندقه انجام شد.

به سخن دیگر، اهمیت سرمایه اجتماعی در این مهم نهفته است که اعتماد و عمل متقابل همکاری را از طریق کاهش هزینه‌های معامله افزایش می‌دهد، زیرا افراد مجبور نیستند هزینه‌هایی را برای نظارت بر رفتار دیگران انجام دهند و به جای آن به ایجاد اعتماد برای انجام کارهای جمعی و گروهی می‌پردازند.

در تحقیق حاضر، مفهوم سرمایه اجتماعی متأثر از اثرات رویکرد مدیریت محلی به‌عنوان ابزاری برای تحولات فضایی روستایی مطالعه شده است. بنابراین، در صورتی که سرمایه اجتماعی متأثر از اثرات رویکرد مدیریت محلی به‌عنوان زیرساختی برای تحولات فضای روستایی در نظر گرفته شود، می‌تواند تأثیرات منفی مرتبط با این مقوله را کاهش دهد.

برای جهت‌یابی مدیریت سکونتگاه‌های روستایی به‌سوی تحولات اجتماعی-اقتصادی، محیطی-اکولوژیک، و کالبدی توجه به مقوله سرمایه اجتماعی روستاییان در فرایند انجام و عمل برنامه‌ریزی مدیران محلی از مهم‌ترین مقوله‌هایی است که در فرایند برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده توسط مدیران محلی موردتوجه ویژه قرار گرفته است. به سخن دیگر، سرمایه اجتماعی فرایندی است که طی آن افراد برای چیرگی بر موانع پیشرفت فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که باعث چیرگی آن‌ها در تعیین سرنوشت خود می‌شود. هدف این است که سرمایه اجتماعی روستاییان در سکونتگاه‌های روستایی برای مدیریت مناسب‌تر امور خودشان تضمین شود. بنابراین، وابستگی به دخالت دولت کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، با افزایش آگاهی‌بخشی، بهبود اعتماد، انسجام، تشکل‌سازی و نهادسازی، مشارکت در فرایند برنامه‌ریزی روستایی از تصمیم‌گیری تا اجرا و پایش در غالب رویکرد اجتماع‌محور و ارتباطی باعث افزایش مطلوبیت اقتصادی-اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی می‌شود که خود وسیله‌ای برای دولت محلی برای تعادل بخشیدن اجتماعی-اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی است.

بر این مبنای، در این مقاله به واکاوی اثرات رویکردهای حاکم بر مدیریت محلی در بهبود شاخص‌های سرمایه اجتماعی همچون افزایش سطح آگاهی، بهبود اعتماد، انسجام، تشکل‌سازی و نهادسازی، مشارکت و در فراگرد تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی بخش اسفندقه پرداخته شد. سرانجام، یافته‌ها روشن‌گر آن است که با وجود تأثیر مثبت شاخص‌های سرمایه اجتماعی بر ابعاد تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی، مدیریت محلی به دلیل گرایش به رویکردگرایی و متخصص‌محوربودن قادر نیست شاخص‌های سرمایه اجتماعی روستاییان را در راستای تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی ناحیه مورد مطالعه بهبود بخشد. به سخن دیگر، به دلیل گفته‌شده، عوامل تسهیل‌کننده سرمایه اجتماعی در فرایند برنامه‌ریزی روستایی در ناحیه مورد مطالعه به‌صورت نامولد عمل کرده است. به‌گونه‌ای که بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، گیرندگان و بروزدهندگان آگاهی اجتماعی و سرمایه اجتماعی نامولد هنوز به شکل فرایند‌های غلبه دارند. بنابراین، برنامه‌ریزی مدیریت محلی با رویکرد موجود نتوانسته است روستاییان را به‌مثابه یکی از عوامل و ارکان قدرت در بین سایر حوزه‌های مداخله‌کننده در فرایند برنامه‌ریزی مدیریت محلی در سکونتگاه‌های روستایی و در فراگرد تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، اجرا، نظارت، و کنترل بر طرح‌ها و پروژه‌های تحول درآورد. شایان ذکر است، اگرچه در رویکرد مدیریت محلی به لحاظ نظری به شاخص‌های تسهیل‌کننده سرمایه اجتماعی همچون بهبود اعتماد، انسجام، تشکل‌سازی و نهادسازی، مشارکت و به عبارتی جای‌گزینی رویکرد کنونی مدیریت محلی (رویکرد عقلایی فن‌محور) با رویکرد ارتباطی و تعاملی تأکید شده است، همچنان در عمل، ساختار مدیریت غیرمنعطف و برخاسته از تفکرات فن‌محور مانع پویایی سکونتگاه‌های روستایی به‌مثابه یک رکن اصلی قدرت و گذار آن‌ها به‌سوی مشارکت در فراگرد مدیریت سکونتگاه‌های روستایی شده است. بنابراین، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش، تغییر و اصلاح رویکرد حاکم بر

فرایند نظام مدیریت روستایی در ایران و ناحیه مورد مطالعه از طریق انتخاب سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی مناسب دولت و به‌کارگیری روش‌های مناسب در بهبود سرمایه اجتماعی روستاییان در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت محلی روستایی مورد تأکید است. رویکردی که در آن ابتکارات محلی جایگزین نگاه با اصالت متخصص و از «بالا به پایین» شود و با تفویض اختیار و مسئولیت‌دهی به مدیریت محلی پتانسیل‌ها و ظرفیت بومی روستاییان و به‌رسمیت‌شناختن روستاییان در کنار همه بازیگران و ذی‌نفعان درگیر در فرایند مدیریتی از طریق بهبود ابعاد سرمایه اجتماعی روستاییان به‌گونه‌ای مولد و کارساز زمینه را برای تحولات مثبت فضایی در سکونتگاه‌های روستایی فراهم آورد.

منابع

۱. ادریسی، افسانه؛ همتی، محمدابراهیم و ذوالفقاری، ابوالفضل، ۱۳۹۸، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و نگرش به فرهنگ دموکراتیک (مورد مطالعه شهروندان شهرستان سمنان، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۷(۱۵)، ۱-۲۸. doi: 10.22070/iws.2019.4065.1734
۲. آشتیانی، علی فتحی، ۱۳۸۹، مقدمه‌ای در آزمون‌های روان‌شناختی، انتشارات بعثت.
۳. حیاتی، عقیل و غلامی، محمد، ۱۳۹۲، بررسی تأثیر هویت کالبدی بر انسجام اجتماعی مطالعه موردی: محله اوین شهر تهران، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۳، ش ۳۰، صص ۱۳۱-۱۵۰.
۴. رکن الدین افتخاری، عبدالرضا؛ بدری، سید علی؛ سجاسی قیداری، حمدالله (۱۳۹۰). بنیان‌های نظریه‌ای برنامه‌ریزی کالبدی مناطق روستایی، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران.
۵. رضانی، لائین؛ رحمانی، بیژن و شفیع‌ی ثابت، ناصر، ۱۳۹۹، نقش مدیریت محلی در ارتقای سرمایه اجتماعی و مشارکت روستاییان در اقتصاد روستایی مورد: شهرستان بانه، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۹، ش ۳۲، صص ۴۳-۶۴.
۶. سرایی، حسن، ۱۳۹۳، مقدمه‌ای در نمونه‌گیری در تحقیق، تهران: سمت.
۷. شفیع‌ی ثابت، ناصر و خاکسار، سوگند، ۱۳۹۸، تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت روستاییان در برنامه‌های توسعه روستایی با نقش میانجی اثرات ادراک‌شده از برنامه‌ها و طرح‌ها، پژوهش‌های روستایی، دوره ۲، ش ۱۰، صص ۲۵۸-۲۷۵.
۸. شفیع‌ی ثابت، ناصر و میرواحدی، نگین‌سادات، ۱۳۹۸، الگوی برنامه‌ریزی توسعه روستایی با تأکید بر پارادایم‌های نوین (مورد مطالعه: شهرستان‌های پاکدشت و ری در پیرامون کلان‌شهر تهران)، توسعه پایدار محیط جغرافیایی.
۹. عباس‌زاده، محمد؛ عزیززاده اقدم، محمدباقر و اسلامی بناب، سیدرضا، ۱۳۹۱، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱(۱)، ۱۴۵-۱۷۲. doi: 10.22059/jisr.2012.36551
۱۰. عنابستانی، علی‌اکبر؛ محمدی، سیدعبدالرضا؛ روستا، مجتبی؛ صیادی آب‌گلی، محمد و آوریده، اصغر، ۱۳۹۳، نقش دهیاری‌ها در پایداری جمعیت سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: بخش میمند فارس)، مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، دوره ۹، ش ۲۸، صص ۵۹-۷۲.
۱۱. فروغ‌زاده، سیمین؛ رزاقیان، فرزانه؛ براتی، جواد و سلطانی، سحر، ۱۳۹۸، تحلیل سرمایه اجتماعی زنان خانه‌دار ساکن در سکونتگاه غیررسمی (مطالعه موردی: محله شهید قربانی مشهد)، مطالعات زن و خانواده، دوره ۷، ش ۱، صص ۱۷۹-۲۰۳.
۱۲. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، نتایج تفصیلی سرشماری شهرستان جیرفت، قابل دسترسی بر روی درگاه ملی آمار به آدرس www.amar.org.ir اینترنتی.
۱۳. نوریان، فرشاد و مظفری‌پور، نجمه، ۱۳۹۲، ارزیابی عملکرد مدیریت محله‌محور با تأکید بر شاخصه‌های سرمایه اجتماعی، موردپژوهی: محلات هفتگانه ناحیه ۱ منطقه ۲۱ شهرداری تهران، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۱۸، ش ۴، صص ۴۷-۵۶.
14. Adhikari, K. P., & Goldey, P. (2010). Social capital and its "downside": the impact on sustainability of induced community-based organizations in Nepal. *World Development*, 38(2), 184-194.
15. Balkundi, P., & Kilduff, M. (2006). The ties that lead: A social network approach to leadership. *Leadership Quarterly*, 17(4), 419-439.

16. Bourdieu, Pierre. (2018). Social space and the genesis of appropriated physical space. *International Journal of Urban and Regional Research*, 42(1), 106-114.
17. Casieri, A., Nazzaro, C., & Roselli, L. (2010). Trust building and social capital as development policy tools in rural areas. An empirical analysis: the case of the LAG CDNISAT. *New Medit: Mediterranean Journal of Economics, Agriculture and Environment= Revue Méditerranéenne d'Economie Agriculture et Environment*, 9(1), 24.
18. Cresswell, Tom (2004), place – A Short Introduction, Blackwell Publishing, Oxford Dourish, Paul (2006), “Re-Space-ing Place Place” and “Space” Ten Years On”, CSCW (Computer Supported Cooperative Work) 06 November 4-8, Banff, Alberta, Canada.
19. Coffé, H., & Geys, B. (2005). Institutional performance and social capital: An application to the local government level. *Journal of urban affairs*, 27(5), 485-501.
20. Falk, I., & Kilpatrick, S. (2000). What is social capital? A study of interaction in a rural community. *Sociologia ruralis*, 40(1), 87-110.
21. Forester, J. (1980). Critical theory and planning practice. *Journal of the American Planning Association*, 46(3), 275-286.
22. Foucault, Michel (1986), “Of Other Spaces”, *Diacritics*, Vol. 16, No. 1 (Spring), PP. 22-27.
23. Gyamfi-Kumanini, N. (1996). Development problems in rural Ghana: The case of Wamfie. *Walden University Press*, Minneapolis.
24. Gielen, D. M., & Tasan-Kok, T. (2010). Flexibility in planning and the consequences for public-value capturing in UK, Spain and the Netherlands. *European Planning Studies*, 18(7), 1097-1131.
25. Halla, F. (2005). Critical elements in sustaining participatory planning: Bagamoyo strategic urban development planning framework in Tanzania. *Habitat International*, 29(1), 137-161.
26. Healey, P. (1996). The communicative turn in planning theory and its implications for spatial strategy formation. *Environment and Planning B: Planning and design*, 23(2), 217-234.
27. Healey, P. (1997). Collaborative planning: Shaping places in fragmented societies. *UBc Press*.
28. Hummelbrunner, R. (2000, October). A Systems Approach to Evaluation: applications of systems theory and systems thinking in evaluations. *In European Evaluation Society Conference*, October (pp. 12-14).
29. Javadzadeh, H. and Alavi, A., 2016, Comparative survey on the role of social capital in community sustainability in the new and old contexts (case: The Narmak and Yosefabad Communities).
30. Janssens, W. (2010). Women’s empowerment and the creation of social capital in Indian villages. *World Development*, 38(7), 974-988.
31. King, B., Fielke, S., Bayne, K., Klerkx, L., & Nettle, R. (2019). Navigating shades of social capital and trust to leverage opportunities for rural innovation. *Journal of Rural Studies*, 68, 123-134.
32. Koutsou, S., Partalidou, M., & Ragkos, A. (2014). Young farmers' social capital in Greece: Trust levels and collective actions. *Journal of Rural Studies*, 34, 204-211.
33. Lefebvre, H. (1991) *The Production of Space*, Oxford, Blackwell
34. Levien, M. (2015). Social capital as obstacle to development: Brokering land, norms, and trust in rural India. *World Development*, 74, 77-92.
35. Labonne, J., & Chase, R. S. (2011). Do community-driven development projects enhance social capital? Evidence from the Philippines. *Journal of Development Economics*, 96(2), 348-358.
36. McDonagh, J., Varley, T., & Shortall, S. (Eds.). (2009). *A living countryside?: the politics of sustainable development in rural Ireland*. *Ashgate Publishing, Ltd.*
37. Mosley, P., & Verschoor, A. (2005). The development of trust and social capital in rural Uganda: An experimental approach.
38. Massey-Doreen, (2001) *SpacePlace and Gen- der*, University of Minnesota Press Minneapolis.
39. Narayan, D., & Pritchett, L. (1999). Cents and sociability: Household income and social capital in rural Tanzania. *Economic development and cultural change*, 47(4), 871-897.

40. Narayan, D., & Cassidy, M. F. (2001). A dimensional approach to measuring social capital: development and validation of a social capital inventory. *Current sociology*, 49(2), 59-102.
41. Nardone, G., Sisto, R., & Lopolito, A. (2010). Social Capital in the LEADER Initiative: a methodological approach. *Journal of Rural Studies*, 26(1), 63-72.
42. Phillips, S. (2014). Social capital, local networks and community development. In *Urban Livelihoods* (pp. 156-173). Routledge.
43. Pred, Allan (1984), "Place as Historically Contingent Process: Structuration and the Time Geography of Becoming Places", *Annals of the Association of American Geographers*, Vol. 74, No. 2. (Jun., 1984), pp. 279-297.
44. Park, D. B., Lee, K. W., Choi, H. S., & Yoon, Y. (2012). Factors influencing social capital in rural tourism communities in South Korea. *Tourism management*, 33(6), 1511-1520.
45. Robison, Lindon J.; Schmid, A Allan and Siles, Marcelo E., 2002, Is social capital really capital? Review of social economy, 60(1), 1-21.
46. Shoji, M., Aoyagi, K., Kasahara, R., Sawada, Y., & Ueyama, M. (2012). Social capital formation and credit access: Evidence from Sri Lanka. *World development*, 40(12), 2522-2536.
47. Teodoro, Jose Daniel; Prell, Christina and Sun, Laixiang, 2021, Quantifying stakeholder learning in climate change adaptation across multiple relational and participatory networks, *Journal of Environmental Management*, 278, 111508.
48. Tuan, YF. (1974) Space and place: humanistic perspective. *Progress in Geography*, 6, 211-52.
49. Tregear, Angela and Cooper, Sarah, (2016), Embeddedness, social capital and learning in rural areas: The case of producer cooperatives, *Journal of Rural Studies*, 44, 101-110.
50. Van Rijn, F., Bulte, E., & Adekunle, A. (2012). Social capital and agricultural innovation in Sub-Saharan Africa. *Agricultural Systems*, 108, 112-122.
51. Waligo, V. M., Clarke, J., & Hawkins, R. (2013). Implementing sustainable tourism: A multistakeholder involvement management framework. *Tourism management*, 36, 342-353.
52. Yip, W., Subramanian, S. V., Mitchell, A. D., Lee, D. T., Wang, J., & Kawachi, I. (2007). Does social capital enhance health and well-being? Evidence from rural China. *Social science & medicine*, 64(1), 35-49.
53. Zasada, I., Häfner, K., Schaller, L., van Zanten, B. T., Lefebvre, M., Malak-Rawlikowska, A., & Zavalloni, M. (2017). A conceptual model to integrate the regional context in landscape policy, management and contribution to rural development: Literature review and European case study evidence. *Geoforum*, 82, 1-12.
54. Zhao, W., Ritchie, J. B., & Echtner, C. M. (2011). Social capital and tourism entrepreneurship. *Annals of Tourism Research*, 38(4), 1570-1593.